

نگاه جامعه‌شناسانه‌ی سیاسی به نگرش قدرتهای بزرگ به برنامه هسته‌ای ایران و کره

شمالی

- سعید کریمی کشه^۱
دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۲
سید عبدالعلی قوام^۲
پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۵
علیرضا موسوی زاده^۳
مهدی ذاکریان امیری^۴
داوود هرمیداس باوند^۵

چکیده

برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی یکی از چالش برانگیزترین موضوعاتی است که جامعه جهانی تاکنون با آن مواجه شده است. دو کشور جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی که در دو منطقه حساس و استراتژیک خاورمیانه و خاور دور واقع شده‌اند از کشورهایی هستند که فرآیند هسته‌ای شدنشان از همان ابتدا با واکنش شدید مجامع بین‌المللی همراه بوده است.

فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی با حساسیت ویژه‌ای از سوی قدرت‌های بزرگ و رقیب نظیر آمریکا، روسیه و چین، سازمانها، رسانه‌ها و خبرگزاری

۱ دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲ استاد گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) s-a-ghavam@Hotmail.com

۳ استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴ دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۵ دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ها تحت تعقیب و نظر است. این امر را می توان به متعارض بودن منافع و سیاست های جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی با کشورهای غربی دانست. پرسش اساسی در این مقاله مقایسه میان برنامه هسته ای ایران و کره شمالی است. همچنین سعی شده است تا در چارچوب مفهومی رژیم های بین المللی این مقایسه صورت پذیرد. در این مقاله مشخص می شود تا برخوردهایی که قدرتهای بین المللی نسبت به برنامه های این دو کشور در عین شباهت دارای تفاوتهایی است که ریشه در مسائل گوناگون دارد.

واژگان کلیدی: قدرتهای بزرگ، برنامه هسته ای، جمهوری اسلامی ایران، کره شمالی،

تحریم ها

چرخه کامل فناوری هسته ای دارای مزایای بی شماری است که با توجه به اهمیت و لزوم بهره-برداری از انرژی هسته ای در حال حاضر و آینده، کشورهای دارای این فناوری تلاش گسترده‌ای را برای حفظ انحصار آن و جلوگیری از دستیابی سایر کشورها به این فناوری به کار بسته اند. آنچه که امروز ترس از دستیابی به انرژی هسته ای را در بین کشورهای مختلف ایجاد کرده است، کاربرد غیر انسانی و سلاح های اتمی است.

در چنین شرایطی با توجه به رقابت گسترده ای که بر سر بهره برداری و در اختیار داشتن منابع انرژی هسته ای در جهان وجود دارد، اهمیت دستیابی برخی کشورها به چرخه ی کامل سوخت هسته ای و پیوستن به باشگاه هسته ای جهان، بیشتر مشخص و دستیابی و استفاده از این علم پیشرفته و حساس به عنوان یکی از موثرترین عوامل پیشرفت یک کشور محسوب میشود. اما در بیشتر مواقع با مخالفت قدرت های بزرگ مواجه می شود.

به طور مثال کشورهای غربی به ویژه آمریکا تلاش می کنند از ابزارهای مختلف نظیر اعمال تحریمها و فشارهای اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک و نظامی در سازمانهای بین المللی برای جلوگیری از دستیابی کشورهایی نظیر ایران به این فناوری حساس استفاده کنند. این کشورها از ابتدای طرح موضوعات کره شمالی و ایران درصدد برآمدند تا با ایجاد یک اجماع جهانی به اهداف خود در خصوص دو کشور مذکور دست یابند.

مسئله هسته ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی مشابهت ها و تفاوت های زیادی با هم دارند که در این مقاله سعی شده است با تحلیل و بررسی دیدگاه های قدرت های بزرگ جهانی، قطعنامه ها و توجه به رژیم منع اشاعه سلاح های اتمی^۱ به این موضوع پرداخته شود. جمهوری اسلامی ایران طی سال ها فعالیت هسته ای خود، همواره همکاری های گسترده و داوطلبانه ای با آژانس بین المللی انرژی اتمی^۲ و بازرسان آن داشته و برنامه اتمی اش تحت نظارت جدی آژانس قرار گرفته است. (بصری، ۱۳۹۶: ۲۳۷-۲۳۴).

آنچه مسلم است موضوع هسته ای کره شمالی در مقایسه با جمهوری اسلامی ایران دارای پیچیدگی بیشتری است چرا که این کشور به رغم آزمایش انواع موشکهای کوتاه برد، میان برد و دوربرد و نیز آزمایش هسته ای به نوعی بازدارندگی در قبال بازیگران مهم منطقه دست یافته است. با این وجود جامعه جهانی با صدور قطعنامه هایی که در مقایسه با

جمهوری اسلامی ایران شدت کمتری داشته، اقدام به تحریم کره شمالی کرده است. بررسی مقایسه ای این روند نشان دهنده اعمال برخورد‌های تبعیض آمیز و بکارگیری معیارهای دوگانه از سوی قدرتهای بزرگ نظیر امریکا، روسیه و چین است. (Lecaj, 2016: 12)

روش تحقیق تطبیقی یکی از مهمترین و پرکاربردترین روش های پژوهش در حوزه مسائل علوم سیاسی است. سیاست مقایسه ای با مقایسه کلیه اشکال فعالیت سیاسی اعم از دولتی یا غیر دولتی سرکار دارد. براین اساس متخصصان سیاست مقایسه ای عمدتاً به سیاست مقایسه ای بعنوان مطالعه کل پدیده های سیاسی می نگرند. در این خصوص هریک از محققان بر اولویت های خاصی تأکید می ورزند و پدیده های به خصوصی را در نظام های سیاسی مختلف مورد مقایسه قرار می دهند. ارند لیجفارت^۳ چنین استدلال می کند که در سیاست تطبیقی تمرکز اصلی بر خودش نیست بلکه بیشتر روشی است که بر چگونگی تجزیه و تحلیل تمرکز دارد و نه بر این که چیزی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. در این پژوهش از روش تطبیقی و کاربست رژیم های امنیتی بین المللی بعنوان ابزار تجزیه و تحلیل استفاده گردیده است. (قوام، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۱)

در پیشینه موضوع نگارندگان آثار پیشرو را بعنوان مکمل و هدایت کننده مسیر مقاله بکار برده است. هری آی نیمن (۱۳۹۷) در کتاب امنیت جهانی و رژیم عدم اشاعه سلاح های هسته ای NPT: مفاهیم، طراحی و مدیریت اشاره می کند که پیشرفت شگفت انگیز در حوزه های مختلف علم و فناوری باعث شده است تا در همه حوزه های علوم، نظریات جدید به سرعت توسعه یابند. در این میان حوزه های مطالعاتی امنیتی نیز دستخوش تحولاتی چشمگیری بوده است. نویسنده به بررسی امنیت جهانی و رژیم امنیتی NPT و جایگاه کشورهای در حال توسعه نظیر کره شمالی و جمهوری اسلامی ایران در آن پرداخته است. محمد علی بصیری (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان مطالعه تطبیقی پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی از نظر آژانس بین المللی انرژی اتمی بیان می کند که قدرتهای بزرگ بطور جدی با توانمندی هسته ای کشورهای متعارض با منافع خود مخالف هستند. بنابراین هسته ای شدن جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی با حساسیت ویژه ای از سوی دولتها، سازمانها، رسانه و خبرگزاری های غرب تحت تعقیب و نظر است. مصطفی زهرانی (۱۳۹۶) در مقاله مقایسه تحریم های اعمال شده علیه جمهوری اسلامی

ایران و کره شمالی در شورای امنیت اذعان می نماید که در روابط بین الملل معاصر، تحریم ها ابزارهایی برای حل و فصل اختلافات و دستیابی به اهداف سیاسی خاص تلقی می شوند که غالباً انعکاسی از نارضایتی اعضای قدرتمند شورای امنیت از رفتار بین المللی و داخلی سایر اعضا می باشد. طی سالهای اخیر تحریم هایی علیه کره شمالی و جمهوری اسلامی ایران اعمال شده تا این کشورها را وادار به کنار گذاشتن برنامه هسته ای خود کنند.

قوام و محسنی (۱۳۹۷) در کتاب دیالوگ میان روابط بین الملل و حقوق بین الملل در آغاز هزاره سوم ابراز می کنند که با ورود به هزاره سوم همکاری و تعامل میان دو رشته روابط بین الملل و حقوق بین الملل بیش از پیش احساس شده که این خود می تواند بر تحولات جاری و آتی بین المللی تأثیر بسزایی بگذارد. در حالیکه تبیین، تفسیر و اجرای قوانین بین المللی در بستر سیاست بین الملل و ویژگیهای ساختاری نظام میسر است، همکاری ها و تعارضات کنش گران بین المللی نیز می باید در چارچوب قوانین حقوق بین الملل قابل توجیه باشند.

لکاج متور (۲۰۱۶) نویسنده کوزویایی تلاش دارد تفاوت ها را در برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی نشان دهد و به مقایسه عناصر حقوقی، سیاسی و دیپلماتیک دو کشور پرداخته است. این مقاله بدنال پیدا کردن شکاف بین این تفاوت ها است و بدنال نشان دادن راه حلی برای آینده این بحران می باشد.

فویینگ (۲۰۱۷) از زوایای مختلف بحران هسته ای کره شمالی را در زمان های مختلف گذشته، حال و آینده مورد موشکافی قرار می دهد. ضمن بررسی روند صلح بین دو کره و نشست های تخصصی در سطح رهبران و کارشناسان دو کشور عنوان می کند دستیابی به صلح دائمی بین دو کره در هاله ای از ابهام به سر می برد و در ادامه به بحران هسته ای کره شمالی از منظر کشور چین متحد استراتژیک کره شمالی نگریسته می شود.

بنابراین با بررسی آثار فوق و قطعنامه های شورای حکام و شورای امنیت این امر روشن می گردد که عملکرد آژانس در قبال جمهوری اسلامی ایران که همواره متعهد به رژیم امنیتی NPT بوده و با آژانس همکاری داشته است نسبت به کره شمالی که همواره با آژانس مخالفت کرده و بدنال دستیابی به سلاح های کشتار جمعی بوده و هیچ توجهی به رژیم های امنیتی بین المللی نداشته است غیر منصفانه و تبعیض آمیز بوده است. حال سوال اصلی

این نوشتار این است که نگرش قدرتهای بزرگ و تأثیرگذار نظیر چین، روسیه و امریکا به برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی چگونه می باشد؟ در پاسخ به این سوال یا فرضیه اصلی باید به این امر اذعان نمود که بررسی مقایسه ای این روند نشان دهنده اعمال برخوردهای تبعیض آمیز و بکارگیری معیارهای دوگانه از سوی قدرتهای بزرگ نظیر امریکا، روسیه و چین و همچنین شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی و شورای امنیت است. این مسئله بیان کننده این است که این برخورد متأثر از منافع اقتصادی و استراتژیک قدرتهای بزرگ جهانی است.

این مقاله نسبت به پژوهش های دیگر سعی کرده است تا بدون توجه به ارزش و ایدئولوژی تفاوت ها و شباهتهای برنامه هسته ای این دو کشور را دارد.

۱- چهارچوب مفهومی

رژیم های امنیتی بین المللی

برنامه هسته ای ایران و کره شمالی را می توان از منظرهای گوناگون مورد کنکاش و بررسی قرار داد. یکی از راه های موثر در این زمینه توجه به مکاتب مختلف روابط بین الملل می باشد. در این خصوص نظریه هایی چون رژیم های بین المللی بخصوص رژیم های امنیتی مناسب فرض می گردد تا از دریچه این تئوری ها به فهم دقیق تری از تحولات جهانی در خصوص برنامه هسته ای این دو کشور دست پیدا کرد.

رژیمها مجموعه ای از اصول، رویه ها، هنجارها و قواعد حاکم بر موضوعات خاص در روابط بین الملل می باشند. اهمیت بررسی رژیم ها بدین جهت است که باعث تسهیل حکومت مداری جهانی در شرایط فقدان اقتدار مرکزی (آنارشی^۱) می گردند. رژیم ها می توانند به صورت مقابله نامه ها، توافق نامه های بین المللی، پیمانها یا نهادهای بین المللی باشند. آنها را می توان در زمینه های مختلف از جمله اقتصاد، محیط زیست، حمل و نقل، امنیت، ارتباطات، حقوق بشر، کنترل تسلیحات، حقوق مولفین و جز اینها مورد توجه قرار داد. (قوام و محسنی، ۱۳۹۷: ۳۳)

اگر چه رژیمهای امنیتی عمدتاً پدیده ای قرن بیستمی هستند که به دولتها اجازه می دهند تا از مشکلات و تنگناهای امنیتی بگریزند اما می توان نمونه های پیشین را نیز شناسایی نمود.

بعنوان مثال کنسرت اروپا^۲ رژیم را تشکیل می داد که بعد از جنگهای ناپلئونی، دولتهای محافظه کار اروپا برای مقابله با انقلاب ها و مخاصمات آینده آن را ایجاد کرده بودند.

با این حال، تلاشهای مستمر برای ایجاد رژیم های تمام عیار امنیتی تنها در قرن بیستم و بویژه با شروع جنگ سرد رو به گسترش گذاشت. اما کار آمد بودن این رژیمها اغلب مورد تردید قرار گرفته است. (کریمی کشه، ۱۳۹۶: ۶۳-۶۲)

با این وجود، موافقتنامه های کنترل تسلیحاتی نیز وجود داشته است که به نظر می رسد رژیمهای امنیتی شکننده ای را ایجاد کرده اند. موافقتنامه منع گسترش تسلیحات هسته ای سال ۱۹۶۸ همچنان بعنوان قید و بندی برای افزایش تعداد دولتهای دارنده تسلیحات هسته ای محسوب می شود. این موافقتنامه را بیش از ۱۸۷ کشور - اکثریت عظیم کشورها در نظام بین الملل امضاء کرده اند. (بیلیس واسمیت، ۱۳۹۳، ۶۸۶-۶۸۴)

رژیم های امنیتی وقتی شکل می گیرند که گروهی از کشورها برای حل اختلاف ها و جلوگیری از جنگ با یکدیگر همکاری می کنند تا تنگنای امنیتی ناشی از اقدامات آنها و فرضیات آنها درباره رفتارهای دیگران بر طرف شود. رژیم های بین المللی خصوصاً بخش های امنیتی آنها توسط صاحبان قدرت به وجود می آیند و توسط همین قدرت های بزرگ است که روزی نابود می شوند و در چارچوب این رژیم هیچ جایگاه مهمی برای کشورهای جهان سومی نظیر جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی نمی توان قائل گردید.

۲- معرفی برنامه هسته ای ایران و کره شمالی

۲-۱- برنامه هسته ای ایران

برنامه هسته ای ایران که در سال ۱۳۲۹ آغاز شده بود در سال ۱۳۵۳ با تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران و امضای قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر شکل جدی به خود گرفت. ایران در سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸)، به عضویت آرانس بین المللی انرژی اتمی درآمد و در سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸) پیمان عدم تکثیر سلاح های هسته ای (ان پی تی) را امضاء کرد و دو سال بعد آن را در مجلس شورای ملی به تصویب رساند.

در تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۸۱ (۹ فوریه سال ۲۰۰۳ میلادی) محمد خاتمی، رئیس جمهور وقت ایران، خبر از تهیه سوخت هسته ای توسط متخصصین ایرانی برای نیروگاه های هسته ای

ایران داد و در فروردین ۱۳۸۵ (آوریل سال ۲۰۰۶) محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور وقت ایران، اعلام کرد که ایران موفق به غنی‌سازی اورانیوم به میزان ۳،۵ درصد شده‌است. در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۹۰ (۱۵ فوریه ۲۰۱۲) ایران از ساخت میله سوخت هسته‌ای ۲۰ درصد غنی شده و بارگذاری آن در رآکتور تحقیقاتی ۵ مگا واتی تهران خبر داد.

با انتشار اخبار پیاپی از فعالیت‌های هسته‌ای در ایران و پس از دامنه‌دار شدن اختلافات میان ایران و نهادهای بین‌المللی نظیر شورای امنیت سازمان ملل متحد که منجر به صدور چندین قطعنامه علیه برنامه هسته‌ای ایران و غنی‌سازی گردید. تحریم‌های وسیعی علیه ایران از طرف سازمان ملل، آمریکا، اتحادیه اروپا و سایر کشورهای جهان علیه ایران اجرا گردید. (زهرانی، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۵)

نهایتاً در سال‌های آغازین ریاست جمهوری حسن روحانی، با انعقاد معاهدهٔ برجام میان ایران و گروه پنج به علاوه یک، پرونده سیزده سالهٔ هسته‌ای ایران در شورای امنیت بسته شده و برنامهٔ هسته‌ای ایران با به رسمیت شناختن حق غنی‌سازی ایران در مقداری معین و بتن ریزی در قلب رآکتور تحقیقاتی اب سنگین اراک، به‌طور نسبی متوقف شد.

توافق جامع و نهایی هسته‌ای وین با عنوان برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) به دنبال تفاهم هسته‌ای لوزان، در تیر ۱۳۹۴ در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱ (شامل چین، فرانسه، روسیه، انگلیس، آمریکا و آلمان) منعقد شد و اجرای آن از دی ماه همان سال کلید خورد.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از روز اجرای برجام تاکنون بارها پابندی کامل ایران را به این توافق هسته‌ای تأیید و اعلام کرده که هیچ نشانه‌ای از فعالیت‌های هسته‌ای مرتبط با جنبه‌های غیرصلح آمیز را در ایران شاهد نبوده است. (بصیری، همان: ۲۳۸)

مردم و مسئولان که همواره نسبت به موضع‌گیری‌های خصمانه آمریکا و تحریم‌های ناعادلانه علیه ایران انتقاد و اعتراض داشتند از برجام استقبال کردند و به این پیمان بین المللی اعتماد کردند، اما سیاست‌های رئیس‌جمهور آمریکا باز هم ثابت کرد که دیوار بی‌اعتمادی نسبت به آمریکا همچنان پابرجاست. (Lecaj, Ibid: 13)

۲-۲- برنامه هسته‌ای کره شمالی

مهمترین موضوع و مسئله بحران در شبه جزیره کره توانمندی موشکی و هسته‌ای کره

شمالی می‌باشد. در ابتدای بحران اتمی شبه جزیره کره هدف اصلی کره شمالی از تولید سلاح هسته‌ای نه بازدارندگی بلکه کسب امتیازهای گوناگون مانند تضمین امنیتی، دریافت سوخت و کمک‌های غذایی بوده است. اما با توجه به عدم انجام کامل تعهدات توافقات بین کره شمالی و کشورهای غربی بویژه بدعهدی و کارشکنی امریکا، کره شمالی به سمت بازدارندگی هسته‌ای گام برداشت. در حالی که کره شمالی همکاری لازم با آژانس هسته‌ای و... داشته است. اما علیرغم این در سال ۲۰۰۲ جرج بوش کره شمالی را جز کشورهای محور شرارت اعلام کرد.

این اقدامات نشان می‌دهد که امریکا نه تنها در خصوص بهبود بحران کره شمالی تلاشی نکرده بر عکس به دنبال افزایش بحران بوده است. مهمترین پیامد فعالیت‌های هسته‌ای کره شمالی تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و دستورالعمل‌های اجرایی یک جانبه از طرف امریکاست. تاکنون شورای امنیت ۲۰ قطعنامه علیه کره شمالی صادر کرده است. ولی از این تعداد ۹ قطعنامه از اهمیت زیادی برخوردار هستند که با محکومیت و تحریم همراه بوده است. غربی‌ها این کشور را متهم می‌کنند که با حرکت در مسیر تولید هسته‌ای و ساخت و تولید موشک‌های بالستیک، امنیت جهان را به خطر انداخته است. اما کره شمالی معتقد است که هدف از برنامه توسعه سلاح‌های هسته‌ای این کشور و آزمایش‌های نظامی دفاع از خود می‌باشد. (Wade, 2016: 7-6)

۳- حمایت جامعه ایران از انرژی هسته‌ای از منظر جامعه‌شناسی سیاسی

دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته‌ای یکی از حقوق رسمی همه کشورها است و هیچ کشوری نمی‌تواند مانع دستیابی ملت‌ها به این تکنولوژی شود. دستیابی جمهوری اسلامی ایران به انرژی هسته‌ای یکی از نیازها و ضرورت‌های دنیای امروز به شمار می‌رود و محدودیت در بهره‌گیری از مزیت‌های انرژی صلح آمیز، کشور را در آینده به کشوری عقب‌نگهداشته شده تبدیل می‌کند.

جامعه بین‌المللی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همه ملت‌های جهان با تلاش‌هایی که در برجام صورت گرفته است مهر تایید بر فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه بهره‌گیری از انرژی هسته‌ای زده‌اند و هیچ کشوری حق ندارد خدشه‌ای در دستیابی ملت

ایران به این انرژی صلح آمیز به وجود آورد. (قربانی، ۱۳۹۶: ۴۰)

ملت ایران اسلامی برای اثبات حسن نیت خود در حوزه بهره گیری از انرژی صلح آمیز هسته ای یکبار پای مذاکرات برجام رفت و آمریکا با دسیسه و شیطننت نه تنها به تعهدات خود در این سند عمل نکرده بلکه به دنبال خدشه وارد کردن به این سند بین المللی است. ملت ایران با تمام قوا پشت سر مسئولان و نخبگان سیاسی ایستاده اند و با هوشیاری تمام بار دیگر به خواسته های و جاه طلبی های آمریکا تن نمی دهند. دولتمردان کشور به پشتوانه ملت در شرایط کنونی باید تمام توان خود را در برابر شیطننت های غرب به کار بسته و مقابل زیاده خواهی های آنان ایستادگی کنند. (رستمی، ۱۳۹۶: ۲۱)

کشور ایران از ۵۰ سال پیش عضو این آژانس بوده و پس از انقلاب نیز نظام جمهوری اسلامی این تعهدات را پذیرفته است. جمهوری اسلامی ایران علاوه بر پذیرش تعهدات آژانس، به واسطه فتوا و دستوری که توسط مقام معظم رهبری مبنی بر حرام بودن استفاده از بمب هسته ای صادر شد، تعهد شرعی و دینی نیز در این حوزه دارد. رهبر معظم انقلاب مسئولان و دانشمندان ایران اسلامی را موظف فرمودند که استفاده تخریبی و غیر انسانی از انرژی هسته ای نداشته باشند. (Einhorn, 2016: 19)

۴- نقاط اشتراک و افتراق برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی

۴-۱- نقاط اشتراک

۱- هدف قدرتهای بزرگ در هر دو کشور تغییر رژیم و تغییر رفتار است. ۲- هر دو در لیست محور شرارت^۱ و کشورهای حامی تروریسم هستند. ۳- از نظر قدرتهای بزرگ ساختار تصمیم گیری در دو کشور خواستار فناوری هسته ای صلح آمیز نبوده و دنبال اهداف مخربند. ۴- هر دو کشور خواستار برتری در مذاکرات، پیش شرط و غیره می باشند. ۵- استراتژی قدرت های جهانی در قبال هر دو کشور شامل سیاست تشکیل ائتلاف های چند جانبه، تحریم و اعمال فشار دیپلماتیک است. ۶- ورود چین بعنوان واسطه همکاری های تکنولوژی و اقتصادی میان جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی. ۷- هر دو کشور معتقد به فرایند مذاکره بر حل بحران هسته ای هستند و از چند جانبه شدن مذاکرات استقبال می کنند. ۸- دو کشور جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی با موضع انقلابی خواهان تغییر

نظام بین الملل هستند. ۹- هر دو کشور مورد حمله نظامی مستقیم و غیر مستقیم غرب قرار گرفته اند. ۱۰- روسیه و چین در هر موضوع جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی از نفوذ به مراتب بیشتری در حوزه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و دیپلماتیک برخوردار هستند. (Coats, 2018: 10-8)

۴-۲- نقاط افتراق:

۱- جمهوری اسلامی ایران یکی از با سابقه ترین کشورها برای اجرای دموکراسی است، دارای سیستم انتخابات و اپوزیسیون در مجلس است. در حالیکه کره شمالی یک حکومت کمونیستی و توتالتر می باشد. ۲- جمهوری اسلامی ایران داوطلبانه رژیم امنیتی NPT را امضا کرده در حالیکه کره شمالی تحت فشار شوروی سابق آنرا امضا کرده است. ۳- جمهوری اسلامی ایران مهمترین قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی منطقه خاورمیانه است در حالیکه نام کره شمالی مترادف با فقر و گرسنگی است. ۴- کره شمالی به بمب هسته ای دستیافته و از رژیم امنیتی NPT خارج شده در حالیکه جمهوری اسلامی ایران همواره اعلام کرده استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای دارد و بر تعهداتش پایبند خواهد بود. ۵- در جایگاه بین المللی کره شمالی یک کشور منزوی است در حالیکه جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام و کشورهای غیر اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. (شریعتی نیا، ۱۳۹۷: ۳۳-۳۰) ۶- تفاوت در بازیگران رقیب، به لحاظ سیاسی وزن نیروهای رقیب علیه جمهوری اسلامی ایران سنگین تر است. ۷- کره شمالی تا حدی از اقتصاد جهانی کنار گذاشته شده است ولی جمهوری اسلامی ایران یک منبع مهم در اقتصاد جهان است. ۸- اهداف امریکا در قبال کره شمالی بطور گسترده ای متمرکز بر منع گسترش بیشتر پیشرفت فناوری در کوتاه مدت و خلع سلاح هسته ای کامل هدف نهایی است. اما تحریم جمهوری اسلامی ایران با هدف تعلیق چرخه سوخت هسته ای^۶ و نظارت بر برنامه هسته ای آن کشور است. ۱۰- تفاوت در خلاقیت دیپلماتیک نیز در این رابطه بسیار مهم است. آنچه روشن است دیپلماتهای کره شمالی موفق شدند روند مذاکرات را چنان هدایت کنند که هم کره شمالی به بمب اتمی دست یابد و هم بعد از آن فشار شکننده ای بر این کشور وارد نشود. (شی رو، ۱۳۹۵: ۵۰)

۵- رویکرد قدرتهای بزرگ جهانی به برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی

۵-۱- ایالات متحده امریکا

نقش امریکا به عنوان یک بازیگر جهانی در بحران کره و حضورش در شبه جزیره کره بسیار مهم می باشد. بطوریکه از دید واشنگتن خروج امریکا از منطقه می تواند موازنه نظامی را به نفع کره شمالی تغییر دهد. در سالهای نیمه دوم قرن بیستم راهبرد امریکا در قبال کره شمالی مشخصاً ممانعت از حمله این کشور به کره جنوبی و یا همان مهار کره شمالی بوده است. (Gunther & Meier, 2018: 24)

این سیاست شامل قطع هرگونه مراودات اقتصادی با کره شمالی با هدف تضعیف و مشروعیت زدایی از حاکمیت سیاسی این کشور بوده است. امریکا در برخورد با برنامه هسته ای کره شمالی سیاستهای چندگانه ای را دنبال می نماید، از یک طرف با اعمال تحریم ها و فشارهای مضاعف بر کره شمالی سعی در کنترل توسعه نظامی این کشور دارد و از طرفی دیگر تعجیلی در خاتمه بخشیدن به این بحران ندارد چرا که همواره از بحران کره شمالی به عنوان عاملی برای توجیه حضور مستقیم خود در منطقه و کنترل تحولات حوزه شرق آسیا بهره برده است. (Kemp, 2004: 13)

اما آزمایش های هسته ای کره شمالی نشان داد که امریکا در این زمینه چندان موفق نبوده است. از آن زمان تا کنون کره شمالی هژمونی امریکا را تهدید کرده و نشان داده که این کشور در شکل دادن به رفتار کشورها و ساختار حاکم بر نظام بین الملل کنترل چندانی ندارد و این مسئله خود به نوعی باعث به چالش کشیده شدن هژمونی امریکا شده است. در کل راهبرد امریکا چه در دوره جمهوری خواهان و چه در دوره دموکراتها در برخورد با بحران کره شمالی بهره گیری از سیاست هویج و چماق بوده است. از یک طرف در مقطعی به کره شمالی پاداش داده اند (کمکهای غذایی) و با این کشور وارد مذاکره شده اند و از طرف دیگر شاهد اعمال تحریم ها و تهدید به حمله نظامی به پیونگ یانگ بوده ایم. (ابراهیمی و محمدی، ۱۳۹۷: ۱۰-۸)

ایالات متحده همواره نگرانی زیادی به خاطر مقاصد ایران در دستیابی به سلاح های هسته ای داشته است. به رغم تلاش آمریکا برای تحریم های بین المللی در زمینه همکاری هسته ای، کارشناسان غربی تأکید می کنند که ایران توانسته کمک های مهمی را برای کسب

تکنولوژی غنی سازی اورانیوم از کشورهای همچون پاکستان کسب کند.

کارشناسان آمریکایی به ویژه بر عدم توجیه اقتصادی برنامه هسته‌ای ایران تأکید دارند به این خاطر استدلال می‌کنند که قصد ایران پیگیری برنامه‌های تسلیحاتی بوده است. در حالی که در این باره باید به این مسئله نیز توجه نمود که ایران هنوز در تحریم است و در بسیاری از موارد به راحتی به بازار آزاد دسترسی ندارد. به این خاطر برای پیش برد پروژه‌های خود با مشکلات اجرایی متعددی روبروست و در مواردی حتی هزینه‌های بیشتری صرف می‌کند. (Albright, 2004:5)

دو مسئله کسب پرستیژ و ایجاد بازدارندگی از عوامل قدرتمندی است که در حکومت های ایران چه در گذشته و چه در امروز توانسته‌اند بر اساس آن به قدرت سیاسی خود بیفزایند. مسئله با اهمیت در برنامه هسته‌ای ایران این است که از دید آمریکا و اسرائیل، ایران مشغول تحقیق، آزمایش و تولید سلاح هسته‌ای است. با این حال و با وجودی که این دو کشور سال‌ها در چنین مسأله‌ای تأکید داشته‌اند، نتوانسته‌اند مدرک قابل قبولی ارائه کنند. (Donnelly, 2004:90)

اوباما بسیار هوشمندانه در پی آن بود که به یک اجماع سازی بین‌المللی در لایه‌های گوناگون علیه جمهوری اسلامی ایران دست یابد تیم اوباما به خوبی واقف بودند که فشارهای کنترل نشده بر جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از تهدید جمهوری اسلامی ایران خارج و به فرصتی در راستای مانور سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه نوهارتلند (فلات جمهوری اسلامی ایران، خلیج فارس و جنوب عراق) تبدیل شود. آمریکایی‌ها مترصد بودند که زمینه ساز ایجاد این اجماع بین‌المللی با مدیریت اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران شوند. (Quillen, 2012:70)

دولت اوباما هم‌زمان با اعمال شدیدترین تحریم‌های دوجانبه و چندجانبه بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، به مهم‌ترین توافق بین‌المللی هسته‌ای با ایران دست یافت. دولت ترامپ این توافق را بدترین توافقی می‌داند که تاکنون صورت گرفته است. او ایران را مهم‌ترین حامی تروریسم اعلام کرده که به دنبال بی‌ثبات سازی منطقه و ضربه زدن به منافع آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن است. به نظر می‌رسد دولت ترامپ هنوز به راهبرد مشخصی در مورد ایران نرسیده است. شناخت ترامپ از جهان سیاست و ایران بسیار محدود و

ساده‌انگارانه است. (عابدینی، ۱۳۹۵: ۴۰-۳۷)

در سطح منطقه‌ای و حوزه نظامی، رژیم صهیونیستی و عربستان دولت ترامپ را تشویق می‌کنند که نسبت به ایران مواضع تندتری داشته باشد و حتی او را تشویق به حمله به ایران خواهند کند. آزمایش موشکی، انتقال سلاح به یمن و سوریه و درگیری‌های نظامی محدود در خلیج فارس زمینه‌های اقدامات تندتر ترامپ علیه ایران در حوزه نظامی به شمار می‌آیند. ترامپ برخلاف اوباما، شخصیتی اقتدارگرا و خودرأی دارد و کمتر با دیگران مشورت می‌کند و بیشتر دست به اقدامات ناگهانی می‌زند. از این نظر، احتمال بروز تنش نظامی بین ایران و آمریکا در این دوره به شدت افزایش یافته است.

ترامپ برجام را بدترین توافق برای آمریکا و بهترین توافق برای ایران می‌داند. ترامپ طرفدار وضع تحریم‌های غیرهسته‌ای جدیدی علیه ایران است پس از خروج از برجام بوده و هست. افراد تیم ترامپ به شدت ضدایرانی هستند؛ آن‌ها ایران را حامی اصلی تروریسم می‌دانند و بر این باورند که ایران در پی بی‌ثبات‌سازی منطقه است.

رفتارها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران باید بسیار هوشمندانه و همراه با دوراندیشی و آرامش باشد. دولت فعلی آمریکا در اوج مبارزه‌طلبی است. در چنین شرایطی، ایران نباید خود را به دستور کار این دولت تبدیل کرده و در سیل قدرت‌طلبی آن قرار گیرد. (نورعلی وند، ۱۳۹۷: ۴۴)

۵-۲- جمهوری فدراتیو روسیه

به طور کلی، خروج آمریکا از پیمان ضد موشک‌های بالستیک (ABM)، حضور این کشور در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی و وقوع تحولاتی نظیر حمله آمریکا به افغانستان، جنگ عراق، انقلابات رنگین در کشورهای حوزه نفوذ روسیه، بهار عربی، بحران سوریه و نگرانی‌های این کشور را در پیشبرد اهداف سیاسی خود در برخی مناطق مهم جهان از جمله شبه جزیره کره و خاورمیانه افزایش داده است.

توسعه روابط سیاسی و اقتصادی در شبه جزیره کره از جمله اهداف اصلی در سیاست خارجی روسیه برای اعمال نفوذ بیشتر و تأمین منافع در این منطقه است که جز در صورت ثبات و امنیت آن که توسعه سلاح‌های هسته‌ای توسط کره شمالی و انجام آزمایش‌های موشکی و هسته‌ای موجب تضعیف یا از بین رفتن رژیم عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای

NPT در شبه جزیره و سپس در سایر مناطق جهان از جمله خاورمیانه شود. بنابراین به نظر می‌رسد که روسیه برای دستیابی به اهداف استراتژیک و منافع حیاتی اقتصادی و سیاسی خود در شبه جزیره بیشتر تمایل به پیگیری روند گفتگوها در مورد اتحاد دو کره باشد. تحقق این مسئله موجب خواهد شد امنیت و ثبات منطقه تضمین شده و خطر اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و نیز احتمال گسترش مسابقه تسلیحات هسته‌ای کاهش یابد.

لذا این کشور در مواجهه با کره شمالی سیاست تعهد را بیش از سیاست مهار و تغییر رژیم که نهایتاً به بی‌ثباتی منجر شود، ترجیح می‌دهد. مسکو همواره از یک طرف به دنبال حفظ روابط خوب خود با آمریکا بوده و از طرف دیگر تمایل خود را برای پیوستن به چین برای ارائه کمک‌های اقتصادی و انرژی به کره شمالی مشروط بر آنکه این کشور غیر هسته‌ای بماند، اعلام کرده است. بنابراین، این کشور در راستای دستیابی به دو هدف مهم خود در منطقه از یک طرف به جمع دو کشور ژاپن و آمریکا در ابتکار امنیت اشاعه پیوست تا روابط خود را با این کشورها حفظ کند و از طرف دیگر در جریان رأی‌گیری برای اعمال تحریم‌های بیشتر علیه کره شمالی در چارچوب قطعنامه شورای امنیت قاطعانه با هرگونه تهدید یا استفاده از زور علیه این کشور مخالفت نمود تا در پرتو آن ثبات و امنیت منطقه همچنان حفظ گردد. (Martin, 2007: 77)

در رابطه با موضوع جمهوری اسلامی ایران نیز روسیه خواستار جمهوری اسلامی ایران مسلح به سلاح هسته‌ای نیست. در عین حال که خواستار اتخاذ اقداماتی به غیر از اقدام نظامی و استفاده از زور علیه این کشور است. سیاست روسیه در قبال موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با سایر کشورهای درگیر در پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران متفاوت بوده و مخالفت یا موافقت این کشور با وضع تحریم‌های سنگین علیه جمهوری اسلامی ایران متأثر از شرایط خاص زمانی و مکانی و نیازها و تهدیدات حاکم بر منطقه خاورمیانه است.

در واقع کشورهای عربی منطقه به جهت ترس از تهدید هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تمایل به خرید تسلیحات نظامی پیشرفته و جدید از کشورهایی همچون روسیه دارند. شاید بتوان یکی از دلایل مهم مخالفت روسیه با وضع تحریم‌های سنگین‌تر یا استفاده از زور علیه جمهوری اسلامی ایران را منافع فراوان ناشی از همکاری با این کشور در بخش

انرژی از جمله تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر و ارسال سوخت برای راه اندازی آن دانست. علاوه بر این جمهوری اسلامی ایران دارای همکاری های نزدیکی با روسیه در حوزه نفت و گاز و سرمایه گذاری های مرتبط با آن می باشد که این مسئله می تواند منافع مالی مشترک دو کشور را تضمین و تأمین نماید. لذا هرگونه تصویب تحریم های مالی و اقتصادی بیشتر علیه جمهوری اسلامی ایران خسارات هنگفتی را متوجه روسیه به دلیل کاهش حجم مبادلات اقتصادی و مالی و سرمایه گذاری در بخش انرژی خواهد کرد. (Long, 2018: 20)

در میان کشورهای مختلف جهان نقش و اهمیت سیاست روسیه در پرونده هسته ای ایران از برجستگی خاصی برخوردار است. تنها دلیل این امر دخالت این کشور در اجرای نخستین و مهم ترین طرح هسته ای ایران در نیروگاه بوشهر نیست بلکه عضویت آن در هیئت حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی به عنوان یکی از پنج قدرت شناخته شده هسته ای و نیز عضویت دایم آن در شورای امنیت از جمله دیگر عوامل اهمیت آن است. از این رو، در شرایطی که پرونده هسته ای ایران به عنوان یکی از موضوعات مهم بین المللی در دستور کار آژانس قرار دارد، سیاست های روسیه در این زمینه از اهمیت زیادی برخوردار است.

«ولادیمیر پوتین» بعد از این که برای سومین بار سکان رهبری روسیه را به دست گرفت، در نخستین روز فعالیت خود در کرملین طی فرمانی با عنوان «تدابیری برای اجرای سیاست خارجی روسیه» وزارت امور خارجه این کشور را موظف به حداکثر تلاش در این زمینه کرد. «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهوری روسیه خطاب به وزارت امور خارجه این کشور با تأکید بر لزوم حل و فصل موضوع برنامه هسته ای ایران از راه های سیاسی، این وزارتخانه را موظف به حداکثر تلاش در این زمینه کرد. در دستور پوتین آمده است: باید تلاش کرد وضع پیرامون برنامه های هسته ای ایران صرفاً از راه های سیاسی و دیپلماتیک حل و فصل شود.

رئیس جمهوری روسیه در این فرمان همچنین بر لزوم حل و فصل اختلافات درباره موضوع فعالیت های هسته ای ایران از طریق برقراری گفتگوها بر اساس اصول گام به گام و اقدام متقابل تأکید کرد. همه این موارد نشان می دهد که روسیه نگاه ویژه ای به برنامه هسته ای ایران دارد. علاوه بر این نماینده روسیه در سازمان ملل به مناسبت روز سازمان ملل، کشورهای غربی و از جمله آمریکا را به خاطر تلاش های یکجانبه درباره بحران سوریه

مورد انتقاد قرار داده است. سرگی لاوروف در جدیدترین اظهارات خود اقدامات کشورهای غربی علیه ایران را به باد انتقاد گرفته است. (نیمون، ۱۳۹۷: ۴۵-۴۴)

۵-۳- جمهوری خلق چین

چین به عنوان متحد نزدیک کره شمالی برای بیش از نیم قرن، دریافتی است که تنها با کمک کردن به رژیم پیونگ یانگ از طریق ارسال کمکهای منظم غذایی و نفتی خواهد توانست وجود دولتی باثبات در مرزهای شمال شرقی خود را تضمین نماید. از زمانی که پکن در سال ۱۹۷۹ سیاست اقتصادی درهای باز را در پیش گرفت، هویت ایدئولوژیکی این کشور با کره شمالی به طور قابل ملاحظه ای دچار تغییر شد؛ هرچند تلاش ها برای حفظ روابط دوستانه با این کشور همچنان به عنوان اولویت مهم سیاست خارجی چین ادامه یافت.

(Glaser and Liang, 2008: 173)

چین در شبه جزیره کره نه تنها به دنبال تداوم توسعه روابط با کره شمالی، بلکه حفظ و گسترش نفوذ خود در شمال نیز می باشد. این کشور بر خلاف امریکا مصمم است تا از فروپاشی کره شمالی جلوگیری به عمل آورد. چین آخرین متحد رسمی، بزرگترین شریک تجاری، تأمین کننده اصلی انرژی و منبع مهمی در ارسال کمک های بشردوستانه و سرمایه گذاری در کره شمالی می باشد. چین همواره شبه جزیره کره را به عنوان حوزه نفوذ خود قلمداد کرده و برای اتحاد مجدد شبه جزیره کره از طریق اصلاح اقتصادی این کشور فعالیت می کند. در همین راستا، چین سیاست عدم اشاعه سلاح های هسته ای، عدم وقوع جنگ و عدم فروپاشی رژیم کره شمالی را در رأس سیاست های خود قرار داده است. این مسئله نشان می دهد که زمانی منافع چین در شبه جزیره کره تأمین خواهد شد که کره شمالی در جهت اصلاحات اقتصادی به ویژه اتخاذ رویکرد سیاست درهای باز گام بردارد. (Alexan-dre, 2014: 103)

چین زمانی قادر خواهد بود به منافع و اهداف استراتژیک خود در منطقه دست یابد که سیاست میانه و متعادل را نسبت به کلیه بازیگران مهم و تأثیر گذار بر روند تحولات شبه جزیره اتخاذ نماید، بدین معنا که ناچار به انتخاب و گزینش میان بازیگران برای تداوم و توسعه روابط و همکاری ها نباشد. زیرا چین از یک طرف دارای روابط مهم و ارزشمندی با امریکاست و از طرف دیگر در مورد عاری سازی شبه جزیره کره از سلاح های هسته ای در

منطقه با امریکا و سایر کشورهای قدرتمند دارای اشتراک نظر می باشد. چین در گفتگوهای شش جانبه تلاش خواهد کرد تا به منظور کسب وجهه منطقه ای مد نظر خود نقش مهمی را در پیشبرد موفقیت آمیز گفتگوها و کسب نتایج مطلوب از آن ایفا نماید.

گسترش صلح و ثبات منطقه ای نه تنها رشد اقتصادی چین بلکه تسلط و نفوذ منطقه ای این کشور را بیش از پیش افزایش داده و با کاستن از قدرت و نفوذ منطقه ای امریکا مانع از احیای مجدد قدرت منطقه ای ژاپن خواهد شد. بنابراین تداوم همکاریها با کلیه کشورها از جمله کره شمالی می تواند تضمین کننده رشد و توسعه فزاینده اقتصادی و سیاسی چین در آینده باشد. از این رو چین با احتیاط بیشتری نسبت به تحریم های اعمال شده علیه کره شمالی واکنش نشان داده و نهایت تلاش خود را در جهت تعدیل و کاهش تحریم ها علیه این کشور به کار می گیرد. (آزکان، ۱۳۹۷: ۵۶)

در مقابل چین به عنوان عضو NPT کشوری متعهد به حمایت از عدم اشاعه سلاح های هسته ای، عدم ارائه کمکهای برای توسعه و انتقال سلاح های هسته ای به دولتهای فاقد این سلاح ها و بازیگران غیر دولتی و ممانعت یا حتی مخالفت با دستیابی دولتهای فاقد سلاح های هسته ای به این گونه سلاح ها می باشد. لذا این کشور متعاقب آزمایش هسته ای کره شمالی در اکتبر ۲۰۰۶ به گونه ای بی سابقه از اعمال تحریم ها در چهارچوب قطعنامه ۱۷۱۸ حمایت کرد. (Shen, 2006: 59)

این کشور تاکنون بنا به دلایلی که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، مخالف جدی اعمال تحریم های اقتصادی بر کره شمالی است. ۱- محدود کردن کمک های غذایی و سوخت می تواند بی ثباتی و حتی فروپاشی رژیم کره شمالی را در پی داشته باشد که تحقق این مسئله خود عاملی برای هجوم مهاجران و آوارگان کره ای به چین خواهد شد و امنیت مرزهای این کشور را با تهدید جدی روبرو خواهد کرد. ۲- پکن قویاً مخالف این دیدگاه امریکاست که اعمال فشار بر پیونگ یانگ نهایتاً به تسلیم و پایبندی کره شمالی به رژیم عدم اشاعه منجر خواهد شد. چین بر این باور است که وضع تحریم های اقتصادی تنها موجب تهاجمی تر و غیر قابل پیش بینی تر شدن سیاست خارجی این کشور می شود. ۳- چین معتقد است وضع تحریم های اقتصادی می تواند بیشترین صدمات را بر بخش آسیب پذیر جامعه یعنی روستاییان و نه نخبگان شهری و نظامیان وارد کند. ۴- نگرانی چین از این است که مشارکت این

کشور در اعمال تحریم های جامع و گسترده بر کره شمالی آسیب جبران ناپذیری را بر روابط دو کشور وارد ساخته و نفوذ چین را بر پیونگ یانگ کاهش دهد. (شاپوری، ۱۳۹۷: ۲۳)

موضع چین در رابطه با پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران نیز به گونه ای است که این کشور احساس می کند به واسطه روابط گسترده اقتصادی و انرژی خود با جمهوری اسلامی ایران به ویژه در زمینه تأمین سوخت مورد نیاز جهت افزایش رشد اقتصادی کشور بطور پیوسته تحت فشار است، چرا که تأمین سوخت از اهمیت بسیاری برای چین برخوردار است. بنابراین مشابه آنچه در مورد مواضع چین نسبت به کره شمالی گفته شد، به شکلی دیگر در خصوص جمهوری اسلامی ایران نیز صادق است. سیاست چین در قبال توسعه سلاح های هسته ای توسط کره شمالی نشان داده که پکن اولویت بیشتری برای رژیم عدم اشاعه قائل است. زیرا این کشور نمی خواهد شاهد اشاعه سلاح های هسته ای به بازیگران دولتی و غیر دولتی مناطق مختلف جهان به ویژه خاورمیانه باشد.

لذا همانگونه که چین ترجیح می دهد تا موضوع کره شمالی را از طریق گفتگوهای شش جانبه و نه شورای امنیت پیگیری کند تا گرفتار بی ثباتی و ناامنی منطقه شرق دور در نتیجه وضع تحریم های سخت اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل نشود، به همان میزان نیز خواستار حل و فصل مسالمت آمیز موضوع هسته ای جمهوری اسلامی ایران نه از طریق تحریم های جدی شورای امنیت بلکه از طریق گفتگو است. از لحاظ منطقه ای اقتصاد چین همچنان به رشد سریع خود ادامه می دهد و منافع پکن در خاورمیانه نیز در حال افزایش است. چین به منظور ارتقای روابط دوستانه با کشورهای منطقه نیازمند خاورمیانه باثبات و آرام است. یک محیط مستعد اشاعه وضعیت منطقه را پیچیده تر ساخته و احتمالاً به منافع چین آسیب خواهد زد. پکن معتقد است توسعه سلاح های هسته ای یا مسابقه تسلیحات هسته ای منطقه خاورمیانه را بی ثبات کرده و امنیت انرژی را که از اهمیت بسیاری برای چین برخوردار است دچار مشکل کرده است. (Ying, 2017: 5-6)

بنابراین همانگونه که اشاره شد نه تنها منافع استراتژیک چین در شبه جزیره کره بلکه مجموعه ای از عوامل مهم امنیتی موجب شده تا این کشور با حمایت جدی از پیونگ یانگ در قالب میزبانی و هدایت گفتگوهای شش جانبه و مقاومت در برابر وضع تحریم های سنگین شورای امنیت از اتخاذ هرگونه اقدام غیر ضروری علیه کره شمالی ممانعت به عمل

آورد، حال آنکه نقش چین در موضوع هسته ای جمهوری اسلامی ایران تا حدی تعدیل کننده تحریم های اقتصادی صرفاً به دلیل تضمین امنیت انرژی می باشد. (Saalman, 2013: 21)

۶- نگاه جامعه شناسانه سیاسی به کارزار انتخاباتی امریکا با تأکید بر برنامه هسته ای جمهوری اسلامی

ایران و کره شمالی

جامعه امریکا کماکان از تشنّت فکری و بی ثباتی اندیشه ای رنج می برد. وضعیت بغرنج امریکا از نظر شکاف طبقاتی و کاهش توان اقتصادی برای پوشش نقاط ضعف در جامعه باعث شده تا امریکا درگیر نوعی بحران هویت شود. برای فهمیدن بازه نوسان این تشنّت فکری شاید هیچ زمانی بهتر از انتخابات سال ۲۰۲۰ نباشد. اندیشکده شورای روابط خارجی امریکا طی یک پرسشنامه، دیدگاه های کاندیداهای دموکرات انتخابات ۲۰۲۰ را در مورد جمهوری اسلامی ایران و توافق هسته ای پرسیده است. این پرسشنامه برای همه نامزدها ارسال و پاسخ همه آنها در آن درج شده است. سوال این بود: آیا مجدداً به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) سال ۲۰۱۵ ملحق خواهید شد؟ برای الحاق به آن آیا تغییری در توافق لازم است و اگر هست چه تغییری؟

پاسخ اکثر کاندیداها به این شرح بوده است:

این اشتباه بزرگی از سوی رئیس جمهور ترامپ بود که از توافق هسته ای با جمهوری اسلامی ایران خارج شد برجام به برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران شفافیت داده و برنامه تسلیحات هسته ای را حداقل ده سال به عقب برده بود. اکنون بدون توافق جمهوری اسلامی ایران می تواند به سرعت میزان غنی سازی اورانیوم را افزایش داده و زمان رسیدن به سلاح هسته ای را کاهش دهد.

آنها در حالیکه شدیداً از یک توافق هسته ای با جمهوری اسلامی ایران حمایت می کردند اذعان نمودند که نباید ساعت را به عقب برگردانیم و وانمود کنیم آسیبی هایی که رئیس جمهور طی چند سال گذشته وارد ساخته هرگز رخ نداده است. توافق ۲۰۱۵ براساس مذاکرات دامنه دار با جمهوری اسلامی ایران ی ها بدست آمده، پس می توانیم برای یک راه حل بلند مدت تلاش کنیم. ما چهار سال را در دوره ترامپ از دست دادیم خروج از برجام یک اشتباه استراتژیک بود. ما توافق را به نفع جمهوری اسلامی ایران انجام ندادیم. ما این

کار را کردیم چون به نفع امنیت ملی ما بود. این توافقنامه به منزله یک توافق دقیق و قابل بررسی بود که جمهوری اسلامی ایران را دائم و پایدار از دستیابی به سلاح هسته ای منع می کرد. این امر اکنون مورد تأیید نامزد نهایی حزب دموکرات یعنی جو بایدن و بسیاری از اقشار جامعه امریکا شامل افراد و گروه های سیاسی ذی نفوذ نیز می گردد.

دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا در تیرماه سال جاری برای دیدار کیم جونگ اون رهبر کره شمالی وارد منطقه غیر نظامی روستای صلح در مرز دو کره شد.

در ملاقات ترامپ و اون، ترامپ رهبر کره شمالی را به کاخ سفید دعوت کرد. بعد از این دیدار گزارش هایی منتشر شد مبنی بر اینکه دولت ترامپ دیگر اصراری بر خلع سلاح هسته ای این کشور ندارد و صرفاً به انجماد برنامه هسته ای کره شمالی قناعت خواهد کرد. دولت ترامپ در حال بررسی سیاست انجماد کامل برنامه هسته ای کره شمالی برای آب کردن یخ روابط واشنگتن با پیونگ یانگ است.

سیاست خارجی ترامپ در چند سال اخیر مسیر پر پیچ و خمی را دنبال کرده است. اما آقای ترامپ بالاخره با عواقب سیاست های متناقض خود روبرو شده است. ترامپ تاکنون دو تصویر متمایز از خود در افکار عمومی شکل داده است یک تصویر معامله گر و دیگری جنگ گرا.

در تیرماه سال ۱۳۹۸ حساس ترین لحظه در دوره ریاست جمهوری ترامپ به وقوع پیوست. بعد از آنکه جمهوری اسلامی ایران پهپاد جاسوسی امریکا را در نزدیکی تنگه هرمز سرنگون کرد، ترامپ در ابتدا دستور حمله به برخی از مواضع جمهوری اسلامی ایران را صادر کرد و در نهایت از تصمیم خود منصرف شد. در این لحظه حساس، تناقض های سیاست ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران به خوبی آشکار شدند. او از توافق هسته ای خارج شد و کمپین فشار حداکثری را علیه جمهوری اسلامی ایران شروع کرد. او همچنین بدنبال جلوگیری از جنگ دیگری در خاورمیانه بود. اما دستیابی به این دو هدف به صورت همزمان امکان پذیر نبودند. شاید او تصور می کرد که جمهوری اسلامی ایران تحت فشار تسلیم خواهد شد یا اینکه از موضع ضعف به میز مذاکره بازخواهد گشت. اما سناریوی محتمل تر این است که او در مورد عواقب اقدامات خود فکر نکرده بود.

ظاهراً آقای ترامپ قصد دارد که پیش از انتخابات ۲۰۲۰ تصویر یک معامله گر ماهر

را از خود به تصویر بکشد اما خطرات بزرگی پیش روی جامعه امریکا قرار دارند. ممکن است او توافق های بدی را با کشورهای دیگر امضاء کند و برای همیشه سطح نفوذ امریکا در سطح دنیا را کاهش دهد. (محمد زاده، ۱۳۹۸: ۱۰-۷)

نتیجه گیری:

شاید پیچیده ترین و سخت ترین مشکل قدرت های بزرگ نظیر ایالات متحده آمریکا و فدراتیو روسیه با جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی مسأله قدرت اتمی و فعالیت ها و برنامه های این دو کشور در راستای انرژی اتمی باشد. مسائل پراهمیت دیگر، مثل تروریسم، حقوق بشر و... چنانچه رهبران مسئول کشورهای مزبور تصمیم بگیرند که این مسائل را مورد توجه قرار دهند، براحتی قابل حل شدن هستند. اما مشکل پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی بسیار ژرف است و تبدیل به یکی از مشاجرات عمومی و بین المللی گردیده است. براین اساس در این نوشتار سعی گردید تا به نگرش قدرتهای بزرگ و دخیل در پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی یعنی روسیه، آمریکا و چین پرداخته شود. در سال های اخیر بخصوص از سال ۲۰۰۶ تاکنون که موضوع دستاوردهای هسته ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی در رسانه ها مطرح گردید موضوع هسته ای دو کشور جنبه بین المللی یافته و باعث حساسیت قدرت های بزرگ گردیده است. آمریکا به شدت مخالف دستیابی جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی به انرژی هسته ای (خواه صلح آمیز و خواه در راستای تسلیحات نظامی) می باشد و خواهان تحریم ها و افزایش فشارها از طریق شورای امنیت گردیده و تاکنون چندین قطعنامه تحریم را به همراه دیگر متحدانش بر علیه جمهوری اسلامی ایران صادر نموده است. همچنین در این مقاله تلاش گردیده از منظرهای مختلف به برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی نگریسته شود. همانگونه که اذعان گردید اگرچه از نظر ماهیتی می توان پرونده هسته ای کره شمالی را بی ارتباط با پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران دانست. اما محیط امنیتی و شرایط سیاسی که این دو پرونده در آن شکل گرفته اند و به مرحله کنونی رسیده است تا حد بسیاری به هم شبیه و از برخی جهات به هم وابسته اند. در این حین جایگاه برخی قدرت های بزرگ جهانی نظیر امریکا، روسیه و چین بسیار پر رنگ تر می

باشد و نوع رفتار و معیار این بازیگران با برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی متفاوت، تبعیض آمیز، دارای پیچیدگی و متأثر از منافع اقتصادی و استراتژیک آنها در منطقه خاورمیانه و خاور دور است. کشور آمریکا نگران این مسئله هست که تداوم فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی ایران موجودیت اسرائیل را در منطقه با تهدید و بحران روبرو کند. به همین دلیل تلاش می کند با هدایت سیاستها و مواضع کشورهای منطقه خاورمیانه نه تنها مانع از دستیابی جمهوری اسلامی ایران به اهداف صلح آمیز خود شود بلکه از تغییر سیاستهای کشورهای منطقه به سمت هسته ای شدن نیز جلوگیری به عمل آورد. در خصوص کره شمالی آمریکا در جستجوی خلع سلاح اتمی یا حتی المقدور انجماد هسته ای این کشور بدون دادن هرگونه امتیاز و حضور کامل در منطقه شرق دور و شبه جزیره کره می باشد. روسیه و چین از جمله مخالفان اصلی اعمال تحریم های گسترده علیه جمهوری اسلامی ایران می باشند که لزوم تضمین منافع آنها در منطقه خاورمیانه، زمینه ساز اتخاذ گامهایی در جهت تعدیل تحریم ها شده است. نکته حائز اهمیت این است که حمایت روسیه و چین از جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با کره شمالی به مراتب کمتر می باشد. چین تلاش می کند تا با ایجاد ثبات و امنیت در منطقه شبه جزیره کره به عنوان منطقه حوزه نفوذ این کشور مانع از هسته ای شدن کشورهای منطقه شود. روسیه نیز با هدف مقابله با سیاستهای یکجانبه گرایانه آمریکا و نیز دستیابی به اهداف اقتصادی خود در شبه جزیره کره تلاش می کند تا امنیت و موازنه قوا در منطقه به دور از هرگونه بحران و فضای امنیتی خاص حفظ شود. در پایان باید به این نکته اشاره شود که رژیم های بین المللی خصوصاً بخش های امنیتی آنها توسط صاحبان قدرت به وجود می آیند و توسط همین قدرت های بزرگ است که روزی نابود می شوند و در چارچوب این رژیم ها هیچ جایگاه مهمی برای کشورهای جهان سومی نظیر جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی نمی توان قائل گردید. این مباحث نشان گر این است که کلیه رژیم های امنیتی بین المللی نظیر NPT و غیره که توسط صاحبان قدرت تأسیس و تدوین گردیده اند کاملاً تبعیض آمیز می باشند، و فقط و فقط در راستای منافع قدرت های بزرگ به نگارش درآمده اند این امر در عدم اجازه به حق دستیابی جمهوری اسلامی ایران به انرژی هسته ای کاملاً مشهود است

فهرست منابع:

- ۱) نیمون هری آی، امنیت جهانی و رژیم عدم اشاعه سلاح های هسته‌ای NPT: مفاهیم، طراحی و مدیریت، ترجمه نصراله رضایی، مرکز مطالعات و پژوهش های امنیتی ساحفاسا، چاپ اول، ۱۳۹۷.
- ۲) بلیس جان و اسمیت استیو، جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین (زمینه‌های تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها، و فرآیندها)، ۱۳۹۳، ترجمه: ابوالقاسم چمنی و دیگران، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۳) قوام سید عبدالعلی، سیاست های مقایسه ای، ۱۳۹۱، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات سمت.
- ۴) قوام سید عبدالعلی و سمیرا محسنی، دیالوگ میان روابط بین الملل و حقوق بین الملل در آغاز هزاره سوم، ۱۳۹۷، تهران، نشر مخاطب.
- ۵) شی رو و ویکتوریا، ساخت بمب اتمی، ۱۳۹۵، ترجمه: فرید جواهر کلام، تهران، انتشارات ققنوس.
- ۶) کریمی کشته سعید، رژیم های امنیتی بین المللی، ۱۳۹۶، مشهد، انتشارات پریس.
- ۷) جویئر دانیل، برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و حقوق بین الملل از تقابل تا توافق، ۱۳۹۶، ترجمه: سید حسین سادات حسینی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۸) نیمون هری آی، امنیت جهانی و رژیم عدم اشاعه سلاح های هسته ای NPT: مفاهیم، طراحی و مدیریت، ترجمه نصراله رضایی، مرکز مطالعات و پژوهش های امنیتی ساحفاسا، چاپ اول، ۱۳۹۷.
- ۹) آژکان مایکل وی، جنگ کره، ۱۳۹۷، ترجمه سهیل سمی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات ققنوس.
- ۱۰) زهرانی مصطفی، مقایسه تحریم های اعمال شده علیه جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی در شورای امنیت، راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۵، تابستان ۱۳۹۸.
- ۱۱) خلیلی رضا، پیامدهای منطقه ای و بین المللی برجام: رویکردی استراتژیک، مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵.
- ۱۲) بصیری محمد علی، مطالعه تطبیقی پرونده هسته ای جمهوری اسلامی جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی از نظر آژانس بین المللی انرژی اتمی، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره بیست و پنجم، پاییز ۱۳۹۶.
- ۱۳) قربانی ارسلان، تأثیر سیاست بین الملل بر رژیم های بین المللی: بررسی انتقادی NPT، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره دوم، شماره نوزدهم، زمستان ۱۳۹۶.
- ۱۴) زهرانی مصطفی، مقایسه تحریم های اعمال شده علیه جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی در شورای امنیت، فصلنامه راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸۱، تابستان ۱۳۹۶.
- ۱۵) عابدینی عبدالله، مقایسه تحریم تسلیحاتی علیه جمهوری اسلامی ایران در قطعنامه ۲۲۳۱ و قطعنامه های پیش از آن، فصلنامه مطالعات راهبرد، سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵.
- ۱۶) شریعتی نیا محسن، بحران کره شمالی: دشواری های مسیر خاص قدرت یابی، ماه نگار راهبردی دیده بان امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره هفتاد و هشتم، مهرماه ۱۳۹۷.

- ۱۷) شاپوری مهدی، آزمایش های هسته ای و موشکی کره شمالی: دلایل و پیامدها، ماه نگار راهبردی دیده بان امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره هفتاد و سوم، اردیبهشت ۱۳۹۷.
- ۱۸) رستمی علی اکبر، پرونده هسته ای کره شمالی و تأثیر آن بر پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست دفاعی، سال بیست و ششم، شماره ۷۰، زمستان ۱۳۹۶.
- ۱۹) زندی علی آبادی طاهره، فعالیت هسته ای کره شمالی: بحرانی مستمر، فصلنامه راهبرد، شماره ۸۶، زمستان ۱۳۹۶.
- ۲۰) ابراهیمی شهروز و محمدی سامان، بحران هسته ای کره شمالی و پیامدهای منطقه ای و بین المللی آن، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷.
- ۲۱) محمدزاده رضا، کارزار انتخاباتی امریکا، ماه نگار راهبردی دیده بان امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره هفتاد و نهم، مهر ۱۳۹۸.
22. Albright David , Hinderstien cory, Iran: Conutdown to showdown, vol.6, no.6, November and December (2004).
23. Donnelly Thomas, A strategy for nuclear iran, September 30, (2004), www.Aei.org/publication/pub/ID.21307/Pub-detail-asf.
24. Martin Laurence , «the future Strategic role of iran» in Hossien Amir Sadeghi (ed). Twentieth century iran. London heinemanh.(2003).
25. Lecaj Mentor, North Korea's and Iranian Nuclear Program-Comperative Approach, at AAB college, Pristina, Cosovo, Thesis, no.1, 2016.
26. Einhorn Robert, The NPT Review Process: The Need for a more Productive, Published on Control Association (<https://www.armscontrol.org>), september 1, 2016.
27. Mcline David, The Crisis of The NPT: Ahead of The 2010 Review Conference, CSS Analyses in Security Policy, No, 65. December 2009.
28. Ying Fu, The Korean Nuclear Issue: Past, Present and Future a Chinese Perspective, China Center at Brookings Sterategy Paper 3 may 2017.
29. Wade L. Huntley, Rebels Without a Cause: North Korea, Iran and The NPT, The Royal Institute of International Affairs 2016.
30. Coats Daniel , World Wide Threat Assessment of The US Intelligence Cmmunity, February 13, 2018.
31. Bates Gill, China and Nuclear Arms Control: Current Positions and Future Policies, SIPRI Insights on Pease and Security, April 2015.
32. Long Astin, Russian Nuclear Forces and Prospects for Arms Control , Testimony of

- Astin Long, The Rand Corporation, June 21, 2018.
33. Saalman Lora, Balancing Chinese Interests on North Korea and Iran, Carengie-Tsinghua Center for Global Policy, April 2013.
 34. Gunther Hilpert Hanns and Meier Oliver, Facts of The North Korea Conflict, Actors, Problems and Europe's Interests, German Institute for Hnternational and Secutity Affairs, SWP Research Paper 12 December 2018.
 35. Glaser Bonnie and Liang Wang, North Korea: The Beginning of a China-US Partnership? The Washington Quarterly, Vol.31, No.3.2008.
 36. Shen Dingli, Can Sanctions Stop Proliferation? The Washington Quartery, Vol.31, No.3.2006.
 37. Kristensen Hans and Matthew Mckinzie, Nuclear Arsenals: Current Development, Trends and Capabilities, International Review of The Red Cross (2016).
 38. Alexandre Legar, Why no Nuclear Domino? The Case of North Korea and its Neighbours, papers from the 16th annual graduate student symposium May 5, 2014.
 39. Kemp Geoffrey, Iran's Bomb's and what todo about. It, iran's BOMB: American and Iranian prespective, the Nixon Center, march (2004)
 40. Quillen Chris, «Iranian nuclear weopens policy: post, present and possible future» , Middle East of Internatinal Affairs (MERIA) lisreal, herzliya ; Gloria center (June 2012)

یادداشت

1. Non Proliferation Treaty
2. International Atomic Energy Agency (IAEA)
3. Arend Lijphart
4. Anarchy
5. The concert of Europe
6. The axis of evil
7. Nuclear Fuel Cycle